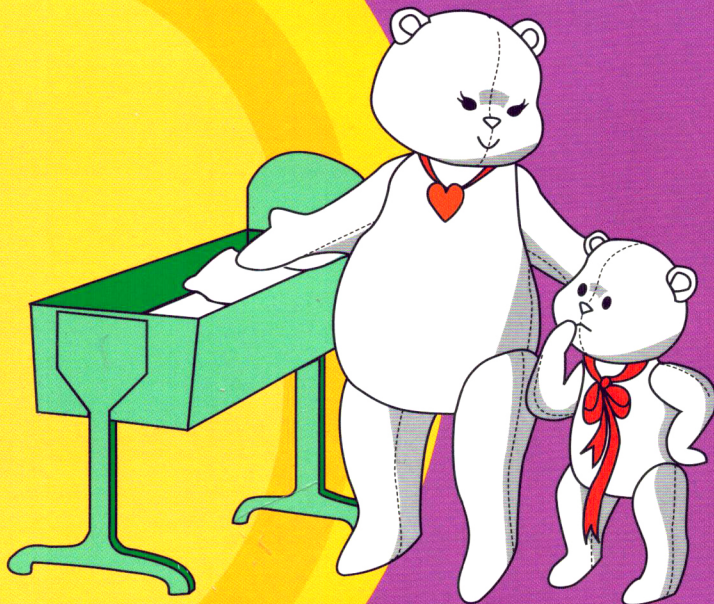


تیلی و تولد فواهر کو پولو

گروه نویسندگان / مترجم: هستی سعادت





مامان گفت: «توی شکم مامان فینگیلی
بچه است.

بچه که رشد می‌کند، شکم او هم
بزرگ می‌شود.

بچه‌ی آن‌ها تابستان به دنیا می‌آید.

دوست تو فینگیلی خواهر بزرگش است!»

بعد مامان مرا بغل کرد و روی پایش
نشاند و گفت:

«من هم توی شکم بچه دارم.

بچه‌ی ما هم پاییز به دنیا می‌آید.»

نمی‌دانستم به دنیا آمدن بچه
خوب است یا بد.